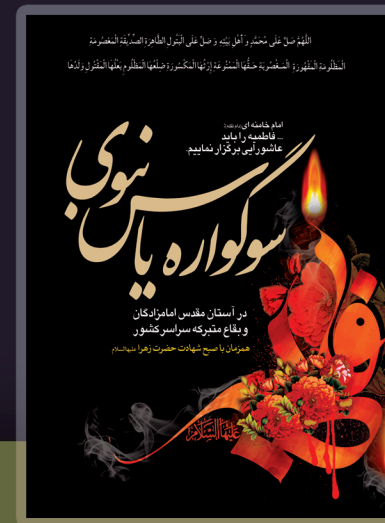




شرح چهل حدیث فاطمی در رفتارهای فردی و اجتماعی



... فاطمه سلام الله عليها محبت علی علیه السلام را در میان بشریت عرضه نموده و فریاد می زند که ای انسان، به محبت علی چنگ بزن و در راه او قدم گذار؛ چراکه او پیشوای مؤمنان و امیر ایشان است. فاطمه می فرماید: «إِنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ، حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ؛ هَمَانَا حَقِيقَتِ وَوَأَقْعِيَتِ تَمَامِ سَعَادَتِهَا وَرَسْتِگَارِیْهَا دَر دُوسْتِ عَلِي عَلَیْهِ السَّلَامِ دَر زَمَانِ حَیَاتِ وَبَسْ اَز رَحَلَتِش خَوَاهَد بُود.» ...



سازمان اوقاف و امور خیریه
مسئولیت فرهنگی و اجتماعی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بصیرت فاطمی

شرح چهل حدیث فاطمی در رفتارهای فردی و اجتماعی

بصیرت فاطمی

شرح چهل حدیث فاطمی در رفتارهای فردی و اجتماعی

ناشر: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه بزرگ قرآن کریم

قطع: پالتویی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۲

شمارگان: ۵۰۰۰۰ نسخه

سایت سازمان: www.awqaf.ir

سایت معاونت: www.mfso.ir

سایت مجتمع: www.mfpo.ir

آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه، معاونت فرهنگی و اجتماعی

آدرس مجتمع: قم، خیابان صفائیه، کوچه ممتاز، کوی ۷، پلاک ۳۲

مجتمع فرهنگی پژوهشی معاونت و اجتماعی فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه

تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۴۶۴۳۱-۷۷۳۷۱۳۱-۰۲۵۱-۷۷۳۷۱۳۱-۰۲۵۱



پیشگفتار

در بیان و وصف مقام قدسی حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا 3، عقول حیرانند و قلم‌ها از حرکت و زبانها از سخن گفتن باز میمانند. نگاهی به احادیثی که مقام این بانوی قدسی را بیان میکند، گوشه‌هایی از عظمت این مقام نورانی را آشکار میسازد.

فاطمه 3 در نزد مسلمانان برترین بانوی جهان در تمام قرون و اعصار می‌باشد. رسول اکرم 7 می‌فرماید: «فاطمه سرور زنان جهانیان است». ولی علو مقام حضرت زهرا 3 تنها محدود به عصر حیات آن بزرگوار نمی‌باشد و در تمامی اعصار جریان دارد. لذا است که پیامبر اکرم 6 در کلامی دیگر صراحتاً فاطمه 3 را سرور زنان اولین و آخرین ذکر می‌نماید.

زندگی کوتاه سرور زنان دو عالم سراسر بندگی بود و مورد رضایت حضرت حق؛ تا آنجا که رسول خدا 6 خطاب به پاره تنش فرمودند: «إن الله یغضب لغضبک و یرضی لرضاک؛ همانا خداوند از خشم تو خشنمک، و از خشنودی تو خشنود میشود.»

شناخت سراسر زندگانی و تمامی لحظات حیات او، از ارزش فوق العاده برخوردار می‌باشد. چرا که آدمی با دقت و تأمل در آن می‌تواند به عالیترین رتبه‌های روحانی نائل گردد. از سوی دیگر با مراجعه به قرآن کریم درمی‌یابیم که آیات متعددی در بیان شأن و مقام حضرتش نازل گردیده است که از آن جمله می‌توان به آیه‌ی تطهیر، آیه مباهله، آیات آغازین سوره دهر، سوره کوثر، آیه اعطای حق ذی القربی و... اشاره نمود که خود تأکیدی بر مقام عمیق آن حضرت در نزد خداوند است.

معاونت فرهنگی و اجتماعی، حسب الامر نماینده محترم ولی فقیه و رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه مبنی بر تعمیق و گسترش باورهای دینی و افزایش بصیرت عمومی در دفاع از ولایت مخصوصاً در این برهه از زمان که آماج حملات متعدد داخلی و خارجی است، این کتاب را به همه پیروان آن مظلومه تاریخ اهداء می‌نماید.

معاونت فرهنگی و اجتماعی
سازمان اوقاف و امور خیریه

فهرست مطالب

۱. حجب و حیا ۵
۲. محبت به همسر ۶
۳. درخواست از همسر ۷
۴. حرکت در خط مشی سیاسی علی علیه السلام ۸
۵. اخلاص در عمل ۹
۶. دعا در حق همسایه ۱۰
۷. معرفت ۱۱
۸. بصیرت ۱۲
۹. سلام ۱۳
۱۰. گشاده رویی ۱۴
۱۱. ظلم ستیزی ۱۵
۱۲. شیعه فاطمه علیها السلام ۱۶
۱۳. شناخت امام ۱۸
۱۴. وارثان پیامبران ۱۹
۱۵. راه سعادت ۲۰
۱۶. تلاوت قرآن ۲۱
۱۷. نگاه به چهره پیامبر صلی الله علیه و آله ۲۲
۱۸. انفاق ۲۳
۱۹. مهر و مقام مادر ۲۴

۲۵ بهره ی حقیقی از روزه
۲۶ رعایت بهداشت
۲۷ شفاعت
۲۸ خط انحراف
۲۹ قضا و قدر الهی
۳۰ کارکردهای ایمان
۳۱ خضوع در نماز
۳۲ زکات
۳۳ اخلاص در روزه
۳۴ حج
۳۵ عدالت
۳۶ امامت
۳۷ یاد در گذشتگان
۴۰ یاد قیامت
۴۱ سعادت
۴۲ پیروی از قرآن
۴۳ دعای غروب جمعه
۴۴ علی محور پرگار امامت
۴۵ صلۀ ارحام
۴۶ امر به معروف و نهی از منکر
۴۷ سخاوت و بخل



۱. محب و حیا

خصلت مثال‌زدنی حجب و حیا در فاطمه علیها السلام از ویژگی اخلاقی اوست که برای زنان در هر عصری درس آموز و الگو بوده است. او بهترین زنان را کسانی می‌داند که کمترین ارتباط را با مردان غیرمحرّم داشته باشند. هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از اصحابش پرسید: زن در چه حالاتی به خداوند نزدیک تر است؟ و اصحاب در پاسخ درماندند، چون این سخن به گوش فاطمه علیها السلام رسید، فرمود: «أَدْنَى مَا تَكُونُ مِنْ رَبِّهَا أَنْ تَلْزَمَ قَعْرَ بَيْتِهَا؛ نزدیکترین اوقات زن به خدای خود هنگامی است که در کُنج خانه خود باشد»، و چون پیامبر صلی الله علیه و آله دریافت که این سخن از فاطمه علیها السلام است فرمود: «فَاطِمَةُ مِنْنِي؛ فاطمه پاره تن من است».^۱ فاطمه علیها السلام به قدری از هم نشینی و اختلاط با نامحرمان پرهیز می‌کرد که پس از اختصاص کارهای درون خانه به او و کارهای برون خانه به علی علیه السلام، توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله احساس خود از این تقسیم کار را این سان ابراز داشت: «هیچ کس جز خداوند، میزان سرور و شادی مرا از این که رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا از همدوشی با مردان معاف فرمود، نمی‌داند».^۲

۱. مکارم الاخلاق، ص ۲۳۳؛ سیل الهدی و الرشاد، ج ۱۱، ص

۴۵؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۲.

۲. قرب الاسناد، ص ۵۲؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۱.

۲. محبت، همسر

در نظام خانواده، محبت رکن اصلی آن است و زنان، کانون این محبت‌اند و فاطمه علیها السلام ایفا کننده چنین نقشی در خانواده امیرالمؤمنین علیه السلام بود. او بهترین مردان را خوش برخوردترین آنان نسبت به همسرانشان دانسته و خود نیز نیکوترین رفتار را نسبت به همسرش ابراز می‌داشت و در این باره می‌فرمود: «خیارکم... اکرمهم **لنسائهم**؛ بهترین شما... خوشرفتارترینتان با زنانتان است». ^۱ او هنگامی که علی علیه السلام به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله عازم مأموریتی جنگی و سخت است چشمانش از فرط محبت و نگرانی از دوری علی علیه السلام گریان می‌شود. ^۲ از طرفی مشکلات زندگی نیز مانع از آن نبود که آن دو بزرگوار رفتاری همراه با صمیمیت، خوشروئی و مزاح با یکدیگر نداشته باشند. در یک مورد، هنگامی که فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام به صحرا رفته و خرما خوردند، علی علیه السلام از روی مزاح به فاطمه علیها السلام گفت: پیامبران صلی الله علیهم و آلهم و سلم مرا بیشتر از تو دوست دارد. و چون نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتند، آن حضرت در پاسخ به پرسش فاطمه علیها السلام نسبت به سخن همسرش فرمود: «ای فاطمه، تو برای من محبوب تری و علی عزیزتر است». ^۳

۱. دلایل امامیه، ص ۷۶.

۲. نگر: الارشاد، ج ۱ ص ۱۱۵؛ بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۸۱.

۳. الفضائل، شاذان بن جبرئیل قمی، ص ۸۰.

۳. درخواست از همسر

در نظام خانواده، یکی از عوامل دوام و گرمی، قانع بودن همسر نسبت به وضعیت اقتصادی و عدم تحمیل مازاد بر توان همسر است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این اصل اخلاقی را به دخترش فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ تعلیم داده بود؛ از این رو، با وجود دشواری معیشت و سختی زندگی در بخش مالی، فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ درخواستی از همسرش نمی کرد که بیش از توان او باشد یا او را وادار به تکلف کند. او با وجود سختی و مشقت و فقر مادی که به علت وضعیت خاص مسلمانان بر زندگی اش حاکم بود، هیچ گاه خواسته‌ای را بر همسرش تحمیل نکرد و روزگار را با ایثار نسبت به همسر و فرزندان خود می گذرانید. در یکی از صبحگاهان، همسرش از او پرسید: فاطمه جان! آیا چیزی برای خوردن داری؟ پاسخ داد: نه، بخدایی که پدرم را به نبوت و شما را به امامت برگزید سوگند که دو روز است در منزل غذای کافی نداریم، آن چه بود به شما و فرزندانم «حسن و حسین» دادم و خود از غذای اندک موجود، استفاده نکردم. علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: فاطمه جان! چرا به من اطلاع ندادی، تا چیزی تهیه کنم؟ پاسخ داد: «يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنِّي لَأَسْتَحْيِي مِنْ إِلَهِي أَنْ أَكُلَفَ نَفْسَكَ مَا لَنَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ؛ يَا أبا الحسن! من از پروردگار خود حیاء می کنم چیزی را از تو درخواست نمایم که تو بر آن توان و قدرت نداری».^۱

^۱. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۵۹، ح ۵۱.

۴. حرکت در خط مشی سیاسی علی علیه السلام

در عرصه سیاسی با آنکه فاطمه علیها السلام معیار حق و ملاک رضایت و خشم کبریایی و صاحب نظر در مسائل سیاسی بود، ولی هرگز در این عرصه خارج از خط مشی سیاسی امیرمؤمنان علیه السلام و مصالح کلی امامت گام برنداشت. پس از ماجرای تلخ سقیفه، گردانندگان سقیفه برای جلب افکار عمومی و کاستن از پیامدهای سوء آن، در صدد دلجویی از حضرت زهرا علیها السلام بر آمده، درخواست ملاقات با آن حضرت را کردند. طبیعی بود که فاطمه علیها السلام در تداوم مبارزه منفی خود با هر گونه پیشنهادی در این زمینه مخالفت ورزد و به درخواست کنندگان ملاقات پاسخ ردّ دهد. آنان دست به دامن علی علیه السلام شده، با فشار و اصرار از او خواستند از فاطمه علیها السلام برای آنان اجازه بگیرد تا از او عذر بخواهند و اشتباهات گذشته خود را جبران کنند و در پی این درخواست رهسپار خانه آن حضرت شدند. علی علیه السلام موضوع را با فاطمه علیها السلام در میان گذاشت و گفت: «فاطمه جان! آنان هم اکنون پشت در خانه منتظر اجازه ورود هستند؛ تا نظر شما چه باشد.» فاطمه علیها السلام - که احساس کرد علی علیه السلام ملاقات را مصلحت می‌داند - در پاسخ فرمود: «الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْحُرَّةُ زَوْجَتُكَ أَفَعَلُ مَا تَشَاءُ؛ [علی جان] خانه، خانه توست و من همسر تو هستم. آنچه مصلحت می‌دانی انجام ده»^۱.

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۸.

۵. اخلاص در عمل

اخلاص مرتبه‌ای است که در آن انسان همه تأثیرها را منحصرأ از آن خداوند می‌داند و برای هیچ یک از عوامل طبیعی و غیر طبیعی تأثیری مگر به صورت وساطت و در طول تأثیر الهی و طبق خواست خداوند، قائل نیست. آری، انسان در هنگام بلا، خدا را خالصانه می‌خواند؛ و خداوند هم اجابت می‌کند. بر اساس این آموزه، خداوند از انسان می‌خواهد که در همه اعمال خود اخلاص داشته باشد که از جمله آنها عبادت است که جوهره آن دعا است.

حضرت زهرا علیها السلام اخلاص در عمل و عبادت را موجب باز شدن درهای رحمت الهی بسوی انسان و قرار دادن مصلحت‌های خوب برای او بخاطر عمل خالصانه دانسته و می‌فرماید: «مَنْ أَصْعَدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصًا عِبَادَتِهِ أَهْبَطَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ؛ کسی که عبادت‌های خالصانه خود را بسوی خدا فرستد، پروردگار بزرگ، برترین مصلحت او را بسوی او فرو خواهد فرستاد».^۱ بر اساس این فرمایش حضرت زهرا علیها السلام لازمه فرود آمدن مصلحت‌های برتر الهی برای درخواست‌های ما از پروردگار، داشتن اخلاص در اعمال است و پیروان مکتب اهل بیت می‌بایست در اعمال و رفتار خود بویژه اعمال عبادی اخلاص داشته باشند.

^۱. عدة الداعی، ص ۲۳۳؛ بحار الانوار، ج ۶۸، ۱۸۴.

۶. دعا در حق، همسایه

از جمله آداب دعا که موجب قبولی دعا و استجابات سریع دعا در حق خود انسان است، دعا کردن در حق دیگران است؛ بدین جهت در مجامع روایی ما آمده است که ائمه علیهم السلام مقید بودند که ابتدا در حق دیگران دست به دعا بردارند و آن را از جمله آداب و عوامل استجابات سریع دعا و موجب دعای ملائکه برای انسان می‌دانستند. حضرت زهراء علیها السلام نیز دعا برای دیگران را یکی از شرایط قبولی می‌دانند. امام حسن علیه السلام که بارها شاهد عبادت های خاضعانه مادر به درگاه الهی بود، در شبی از شبهای جمعه میبیند که مادر در محراب عبادت ایستاده و در راه عبادت خداوند رکوع و سجود مینماید و پیوسته برای مؤمنان و مؤمنات دعا میکند اما برای خود هیچ دعایی نکرد تا آنکه آفتاب صبح، طلوع کرد. این حالت مادر برای فرزند پریشی ایجاد کرد که چرا مادر برای خود دعایی نکرد و فقط نام دیگران را بر زبان جاری کرده و از خداوند برای آنان طلب خیر و برکت کرد؛ بدین جهت به مادر میگوید: مادر، چرا آن گونه که برای دیگران دعا می‌کنی، برای خودت دعا نمی‌کنی؟ فرمود: «يَا بَنِيَّ الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ؛ پسر من! اول همسایه، سپس خانه خود». ^۱ بنابراین این کلام حضرت، ابتدا انسان باید برای دیگران دعا کند و سپس برای خود از درگاه الهی درخواست حاجت نماید.

۱. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۲۴۴.

۷. معرفت

معرفت فاطمی، او را به مقام رضا و تسلیم در برابر خواست الهی و شاکر بودن در هر حال رسانده بود. او با وجود سختی‌های فراوان که در زندگی خود چشید، اما چون این مرارت‌ها را ناشی از خواست الهی و در مسیر نیل به قرب او می‌دید، نه تنها اعتراض و شکوه‌ای نداشت بلکه اظهار رضایت نیز می‌کرد؛ لذا هنگامی که قبل از ولادت حسین علیه السلام از شهادت او باخبر شد و به او گفتند که خداوند به عوض این مصیبت، وصایت و امامت را در نسل حسین علیه السلام قرار می‌دهد نسبت به شهادت فرزندش اظهار رضایت کرد.^۱ در روایتی دیگر می‌خوانیم که روزی، رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را در حالی که لباسی از پشم شتر پوشیده و مشغول آسیا کردن بود و در همان حال فرزندش را نیز شیر می‌داد مشاهده کرد. با دیدن این صحنه، اشک در چشمان آن حضرت حلقه زد و فرمود: «ای فاطمه علیها السلام! تلخی دنیا را برای نیل به شیرینی آخرت بچش.» و فاطمه علیها السلام عرض کرد: «يَا رَسُولَ اللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى نِعْمَائِهِ وَالشُّكْرُ لِلَّهِ عَلَى آيَاتِهِ؛ ای رسول خدا، سپاس خدا را بر نعمت‌هایش و شکر بر موهبت‌هایش»، و این آیه نازل شد:

﴿وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى﴾^۲

۱. الکافی، ج ۱، ص ۴۶۴؛ کامل الزیارات، ص ۱۲۴.

۲. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۲۰؛ بحار الانوار، ج ۱۶،

ص ۱۴۳ و ج ۴۳، ص ۸۶

۸. بصیرت

بصیرت فاطمی محصول تربیت و رشد یافتگی در دامان مادری همچون خدیجه علیها السلام و پدری مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله است که او را به کمال درک اوضاع سیاسی و اجتماعی رسانده بود. از این رهگذر، همچون سیاستمداری تیزبین، با درک شرایط و موقعیت، تصمیماتی کارساز می گرفت. پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله صحنه های دردناکی در زندگی آن حضرت رخ داد و او را آزار داد، اما این مصائب موجب نشد که فاطمه بصیرت خود را در تصمیم گیری ها از دست بدهد؛ لذا زمانی که ولی او امر به سکوت و صبر می فرمود، حضرت اطاعت مینمود. غضب خلافت، و به دنبال آن، غضب فدک ظلم بزرگی بر اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بود که باعث شد فاطمه علیها السلام به مسجد رفته و خطبه غرائی ایراد کند و هنگامی که فاطمه علیها السلام به خانه بازگشت، علی علیه السلام را در حالی که مظلومانه در خانه نشسته بود مشاهده کرد، لذا خطاب به همسرش کلمات دردناکی در ترسیم وضع پیش آمده گفت و آنگاه که علی علیه السلام او را دلداری داد و گفت: «به حساب خدا بگذار»، فاطمه علیها السلام پاسخ داد: «حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ؛ خدا مرا کافی است و او بهترین حمایتگر است»^۱.

۱. الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۴۵؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۵۰؛

بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۲۳۴.

۹. سلام

تخلقی به اخلاق اسلامی و پابندی به آن را می توان در تمام زوایای رفتاری زندگی فردی و اجتماعی فاطمه علیها السلام مشاهده کرد. سبقت گرفتن و آغاز به سلام کردن از جمله ویژگی های این سرشت های پاک و آسمانیست. این خلق نیکو، از خصایل اخلاقی ثابت و مستمر معصومان علیهم السلام بوده و روایات زیادی در این باره در دست است. صدیقه کبری علیها السلام در این زمینه تأسی به پدر بزرگوار صلی الله علیه و آله خود داشته است. آن حضرت، حتی آن هنگام که کسی بر او وارد می شد - و طبیعتاً فرد وارد شونده باید ابتدا سلام کند - اما در این هنگام نیز سبقت در سلام داشت. به عنوان نمونه، بنا بر نقلی، یکی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله به محضر فاطمه علیها السلام مشرف شد اما به محض ورودش، آن حضرت آغاز به سلام کرد آن صحابی نشست. حضرت، مقصدش را پرسید و او گفت: «برای طلب برکت آمده ام»؛ فاطمه علیها السلام نیز به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ سَلَّمَ عَلَيْهِ وَ عَلَيَّ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ»؛ آن که سه روز بر او (پیامبر صلی الله علیه و آله) و بر من (فاطمه علیها السلام) سلام کند خداوند بهشت را برایش لازم می سازد. آن فرد صحابی پرسید: در هنگام حیات او و شما؟ و پاسخ شنید: «آری و بعد از وفاتمان»^۱.

۱. المزار، شیخ مفید، ص ۱۷۷؛ المناقب، ابن مغازلی، ص ۳۶۳؛

بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۸۵.

۱۰. گشاده رویی

داشتن چهره ی گشاده و متبسم از ویژگی های مؤمنان و پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام است. انسان، در برخورد با مردم گشاده رو و کسانی که با روی باز برخورد می کنند، آرامش دارد و تبسمی هرچند کوتاه غم را از دل دوست می زداید و شادی به جای غم شکوفه می زند. از این رو گشاده رویی و تبسم در چهره به هنگام برخورد با دیگران از جمله توصیه های اکید معصومان و نشان ایمان شمرده شده است. امیرالمومنین علیه السلام خطاب به صحابی برجسته اش همّام فرمود: «یا همّامُ الْمُؤْمِنُ هُوَ الْكَيْسُ الْفَطِنُ بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ...؛ ای همّام! مؤمن زیرک و دانا است، شادی اش در چهره و حزن و غمش در دل اوست».^۱ در کلمات نقل شده از حضرت فاطمه علیها السلام نیز درباره گشاده رویی مؤمن چنین آمده است: «الْبِشْرُ فِي وَجْهِ الْمُؤْمِنِ يُوجِبُ لِصَاحِبِهِ الْجَنَّةَ، وَالْبِشْرُ فِي وَجْهِ الْمُعَانِدِ الْمُعَادَى يَقِي صَاحِبَهُ عَذَابَ النَّارِ؛ گشاده رویی در چهره مومن، [ورود به] بهشت را برایش لازم می سازد، و گشاده رویی در چهره دشمن معاند، او را از عذاب آتش حفظ می کند».^۲

۱. الکافی، ج ۲، ص ۲۲۶.

۲. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، ص ۳۵۴.

۱۱. ظلم ستیزی

یکی از آثار دوستی و دشمنی در راه خدا، عدالت‌گرایی و ظلم ستیزی است؛ بر این اساس، انسان دارای چنین روحیه‌ای، همواره طرفدار فکر، مکتب، انسان و حزب و گروهی است که بیشتر عدالت‌گر و ظلم‌ستیز باشد. در سخنان و سیره فاطمی شواهد بسیاری دالّ بر وجود این خصلت در کامل‌ترین شکل و مرتبه در آن حضرت، به چشم می‌خورد. آن حضرت ظلم را در هر شکل و شیوه مذموم دانسته و خداوند را از ظالم‌روگردان می‌داند.

از جمله روایات آن حضرت درباره ظلم و ظالمان، روایتی است که فاطمه ع از رسول خدا ص نقل کرد:

«مَا اتَّقَى جُنْدَانِ ظَالِمَانِ إِلَّا تَخَلَّى اللَّهُ عَنْهُمَا وَلَمْ يُبَالِ أَيُّهُمَا غَلَبَ وَ مَا اتَّقَى جُنْدَانِ ظَالِمَانِ إِلَّا كَانَتْ الدَّبْرَةُ عَلَيَّ أَعْتَاهُمَا؛ هیچ‌گاه دو گروه ظالم با یکدیگر به ستیز بر نمی‌خیزند جز آن که خداوند از آنان دوری می‌گزیند و برای خدا اهمیتی ندارد کدام پیروز شوند. و هیچ‌گاه دو گروه ظالم به مقابل هم در نمی‌آیند جز آن که بدبختی و بلا متوجه ظالم‌ترینشان می‌شود.»^۱

۱. الذریة الطاهرة، ص ۱۴۹؛ کشف الغمّة، ج ۲، ص ۱۷۶.

۱۲. شیعه فاطمه علیها السلام

شیعه در نگاه فاطمه علیها السلام، کسی است که پیرو فرامین اهلبیت علیهم السلام باشد و ادعای تشیع بدون پایبندی در مسیر نورانی آنان ادعایی بیش نیست. اما آیا اگر ما گاهی اسیر هوای نفس شدیم و گناهی مرتکب شدیم، دیگر از جرگه تشیع خارج خواهیم شد و راهی برای بازگشت نیست؟ این پرسش مهم، سؤال زنی از طرف شوهرش از حضرت زهرا علیها السلام است که به نزد فاطمه علیها السلام آمده و می‌پرسد که آیا او (شوهرش) از شیعیان فاطمه علیها السلام هست یا خیر؟ و فاطمه علیها السلام پاسخ داد: «إِنْ كُنْتَ تَعْمَلُ بِمَا أَمْرُنَا، وَ تَنْتَهِي عَمَّا زَجَرْنَاكَ عَنْهُ فَأَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا، وَإِلَّا فَلَا؛ اگر به آنچه ما امر می‌کنیم عمل کنی و از آنچه تو را نهی می‌کنیم پرهیز کنی از شیعیان مایی و الا خیر». زن بازگشت و سخن فاطمه علیها السلام را به شوهرش بازگفت. شوهر گفت: «وای بر من، زیرا کسی خالی از گناهان و خطاها نیست». زن نزد فاطمه علیها السلام بازگشت و سخن شوهرش را منتقل کرد. صدیقه ی طاهره نیز برای او تبیین کرد که شیعیان در صورت گنهکار بودن، توسط سختی‌ها یا شاید مرگ و قیامت تطهیر شده و داخل در بهشت خواهند شد.

صدیقه ی طاهره علیها السلام در پاسخ او فرمود: «لَيْسَ هَكَذَا شِيعَتُنَا مِنْ خِيَارِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ كُلُّ مُحِبِّينَا وَ مُوَالِيِ أَوْلِيَانِنَا وَ مُعَادِيِ أَعْدَانِنَا وَ الْمُسْلِمِ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ لَنَا لَيْسُوا مِنْ شِيعَتِنَا إِذَا خَالَفُوا أَوْامِرَنَا وَ نَوَاهِينَا فِي سَائِرِ الْمُؤَبَقَاتِ وَ

هُم مَعَ ذَلِكَ فِي الْجَنَّةِ وَ لَكِنَّ بَعْدَ مَا يُطَهَّرُونَ مِنْ ذُنُوبِهِمْ بِالْبَلْبَابِ وَ الرِّزَابِ أَوْ فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ بِأَنْوَاعِ شَدَائِدِهَا أَوْ فِي الطَّبَقِ الْأَعْلَى مِنْ جَهَنَّمَ بَعْدَ أَيَّهَا إِلَى أَنْ نَسْتَقْدِمَهُمْ بِحَبْنِهَا مِنْهَا وَ نَقْلُهُمْ إِلَى حَضْرَتِنَا؛ (از من) به همسرت بگو چنین نیست (که او قضاوت کرده است)، شیعیان ما از بهترین افراد اهل بهشتند و همه دوستان ما و دوستان دوستان ما و دشمنان دشمنان ما همه در بهشت خواهند بود. آری کسی که با قلب و زبان تسلیم ما اهل بیت شده اما از اوامر ما سرپیچی کند و نواهی و موارد پرهیز را محترم نشمرد از شیعیان واقعی ما نخواهد بود.

گر چه این گروه نیز پس از پاک شدن از گناهان، و تحمل مشکلات روز قیامت و قرار گرفتن اندک زمانی در طبقات بالای جهنم و چشیدن عذاب، اهل بهشت خواهند بود و ما به خاطر دوستی شان با ما نجاتشان داده و آنان را به پیشگاه خودمان انتقال خواهیم داد.^۱

روایت شده است که مردی به امام حسن مجتبی علیه السلام گفت: من از شیعیان شما هستم. امام فرمود: ای بنده ی خدا! اگر مطیع اوامر و نواهی ما باشی راست می گویی ولی اگر چنین نباشی پس با ادعای چنین منزلت و الایی که اهلش نیستی بر گناهانت میفزای. مگو: من از شیعیان شما هستم بلکه بگو من از دوستاناران شما و دشمن دشمنان شما هستم. در این صورت تو انسان خوبی هستی و به سوی خوبی در حرکتی.^۲

۱. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، ص ۳۰۸.

۲. بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۹۶.

۱۳. شناخت امام

مضامین تعالیم حضرت فاطمه علیها السلام به دیگران متنوع بود و هم به حیظه اصول دین مربوط بود و هم فروع دین. در اصول دین، یکی از مهم ترین محورها، مسأله امامت و ولایت و نیز شناخت امام و ولایت است. بر اساس این سخن فاطمه علیها السلام شرط ورود به بهشت، شناخت امام است و نیز راه شناخت خدا، جز از مسیر امام نیست. ابوذر غفاری در این خصوص طی روایتی، به نقل از فاطمه علیها السلام چنین نقل کرده: «سَأَلْتُ أَبِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: ﴿وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ﴾ قَالَ: هُمْ الْأَئِمَّةُ بَعْدِي عَلَى وَ سِبْطَائِي وَ تَسَعَةَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ هُمْ رِجَالُ الْأَعْرَافِ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ يَعْرِفُهُمْ وَ يَعْرِفُونَهُ وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَ يُنْكِرُونَهُ لَا يَعْرِفُ اللَّهُ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِهِمْ؛ از پدرم درباره آیه ﴿وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ﴾ پرسیدم، فرمود: آنان امامان پس از من هستند. علی و دو سبط من، و نه نفر از صلب حسین علیه السلام آنان مردان اعراف هستند که داخل بهشت نمی شود مگر کسی که آنان را بشناسد و آنان نیز او را بشناسند، و داخل آتش نمی شود مگر کسی که با آنان بیگانه باشد و آنان نیز او را نشناسند. خداوند نیز جز به وسیله راه معرفت آنان شناخته نمی شود.»^۲

۱. اعراف، ۴۶.

۲. کفایة الاثر، ص ۱۹۴، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۱.

۱۴. وارثان پیامبران

خداوند در هر زمان، برای انسان راهی برای ارتباط با آسمان قرار داده و بهانه را از مخلوق خود ستانده است. پیامبران الهی تا پیش از رسول خدا همه همان ریسمانهای متصل به آسمان بودند که با رسالت ختم رسل، امتداد آن به دست اهل بیت علیهم السلام سپرده شد. در نگاه فاطمه علیها السلام اهل بیت علیهم السلام وارثان پیامبران در این ارتباطند و ایشان برترین مخلوقات شایسته این مقام بودند؛ چراکه پاک ترین و مقدس ترین مخلوقات اویند.

فاطمه علیها السلام با تشریح سیر ارتباط بنده با خدا، در تبیین نقش اهل بیت در پیوند مخلوق و بنده با خالق و پاکی و مقدس بودن آن ستاره های هدایت می فرماید: «نَحْنُ وَسَبِيلُهُ فِي خَلْقِهِ، وَ نَحْنُ خَاصَّتُهُ وَ مَحَلُّ قُدْسِهِ، وَ نَحْنُ حُجَّتُهُ فِي غَيْبِهِ، وَ نَحْنُ وَرَثَةُ أَنْبِيَائِهِ؛ ما اهل بیت پیامبر، وسیله ارتباط خداوند با خلق او هستیم، ما برگزیدگان پاک و مقدس پروردگار می باشیم، ما حجّت و راهنما خواهیم بود؛ و ما وارثان پیامبران الهی هستیم».

بر این اساس انسان حیرت زده در این عالم برای سعادت‌مندی و رستگاری در دنیا و آخرت، راه و راهنمایی بهتر از فرزندان رسول خدا از اهل بیت که پاک ترین انسانهایند نداشته و نخواهد داشت.^۱

^۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱۱.

۱۵. راه سعادت

سعادت و رستگاری انسان در نگاه فاطمه علیها السلام در محبت علی نهفته است و این رمزی است که تمام پیامبران بزرگ آسمانی به آن اذعان کرده اند. آری فاطمه علیها السلام محبت علی علیه السلام را در میان بشریت عرضه نموده و فریاد می زند که ای انسان، به محبت علی علیه السلام چنگ بزن و در راه او قدم گذار؛ چرا که او پیشوای مؤمنان و امیر ایشان است. فاطمه علیها السلام می فرماید: «إِنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ، حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَ بَعْدَ مَوْتِهِ؛ همانا حقیقت و واقعیت تمام سعادت‌ها و رستگاری‌ها در دوستی علی در زمان حیات و پس از رحلتش خواهد بود»^۱.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در کلامی شیرین درباره راه سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت می فرماید: «آسایش و راحتی، کامیابی و رستگاری و پیروزی، برکت و گذشت و تندرستی و عافیت، بشارت و خرمی و رضایتمندی، قرب و خویشاوندی، یاری و پیروزی و توانمندی، شادی و محبت، از سوی خدای متعال، بر کسی باد که علی بن ابی طالب را دوست بدارد، ولایت او را بپذیرد، به او اقتدا کند، به برتری او اقرار نماید، و امامان پس از او را به ولایت بپذیرد. بر من است که آنان را در شفاعتم وارد کنم...»^۲.

^۱ . شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۴۴۹.

^۲ . بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۹۲.

۱۶. تلاوت قرآن

فضیلت و عظمت کتاب مقدّس، فوق درک محدود انسان خاکی است. درجات بهشت بر اساس تعداد آیات قرآن تقسیم شده است و هر کس هر مقدار که با قرآن آشنا باشد، درجات بهشت را طی می‌کند. برای تلاوت قرآن کریم فضایل، آثار و فواید دنیایی و آخرتی فراوانی بیان شده است: باروری ایمان، صفای دل، تخفیف گناهان، عبادت برتر، برخورداری از ثواب فرشتگان و پیامبران، هم‌نشینی با فرشتگان، پیمودن درجات کمال و ترقی در بهشت، درمان بیماری‌های روحی، رفع غم و اندوه، روشنایی دیدگان، مونس تنهایی، عمر با برکت، استجاب دعا، صفای خانه، رفع عذاب از پدر و مادر و... برای قرائت قرآن، در کلمات گهربار پیشوایان معصوم علیهم‌السلام فضایل و آثاری بیان شده که موجب رشد و پرورش روح و روان آدمی می‌شود. همین فضایل و آثار باعث گردیده که تلاوت و قرائت قرآن از اهمیت بسیاری برخوردار باشد. فاطمه زهرا علیها‌السلام تلاوت قرآن را بسیار دوست می‌داشت و از میان سه چیزی که در دنیا دوست داشتند تلاوت قرآن بود و در این باره فرموده اند: «حُبِّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ: تِلَاوَةُ كِتَابِ اللَّهِ...؛ سه چیز از دنیا برای من دوست داشتنی است: تلاوت قرآن...»^۱.

^۱. نهج الحیاه، ص ۲۷۱.

۱۷. نگاه به چهره پیامبر ﷺ

نگاه، برای خود اسراری دارد و هر کدام از انواع آن تأثیرهای دنیوی و اخروی در پی دارد. نگاه می تواند از روی خشم و کینه باشد و می تواند با محبت بوده و باعث جلب محبت و کسب اجر باشد. در روایات برخی از نگاهها مورد احترام ارزش است. از جمله نگاه هایی که در دنیا و آخرت دارای ارزش است، نگاه به چهره علما است. نگاه دیگری که در زمان حیات ائمه امکان آن وجود داشت، نگاه به چهره پیامبر ﷺ و اهل بیت  بود که دارای اجر و فضیلت بود؛ چیزی که شیعیان اکنون از آن محرومند. در روایات متعددی آمده است که نگاه به چهره علی  عبادت است. ابوهریره میگوید: «معاذ بن جبل را دیدم که به علی بن ابی طالب خیره می شد. گفتم: چه شده که به علی خیره نگاه می کنی؛ گویی که هیچ گاه او را ندیده ای؟ گفت: از پیامبر خدا شنیدم که فرمود: نگاه کردن به چهره علی، عبادت است.»^۱ فاطمه  در میان دوستانش می گفت: «دنیا بی سه چیز را دوست می داشت که یکی از آن سه، نگاه به چهره پیامبر ﷺ بود و در این باره فرموده اند: «حُبِّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ... وَالنَّظْرُ فِي وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ؛ سه چیز از دنیا برای من دوست داشتنی است: ...نگاه به صورت رسول خدا.»^۲

۱. تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۵۱.

۲. نهج الحیاه، ص ۲۷۱.

۱۸. انفاق

یکی از معارف حیات بخش قرآن، مسئله انفاق است. قرآن کریم نه عمل انفاق، بلکه خود انفاق کنندگان را به دانه پر برکتی تشبیه میکند که در زمین مستعدی افشاندن شود و از آن، هفت خوشه و از هر خوشه، یکصد دانه برآید.^۱ فاطمه علیها السلام توجه ویژه ای به فقر داشت و هیچ مستمند و نیازمندی را از در خانه اش دست خالی رد نمی فرمود. فاطمه علیها السلام میفرماید: «حُبِّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ...: الْإِنْفَاقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ سه چیز از دنیا برای من دوست داشتنی است...: انفاق در راه خداوند متعال».^۲ پیامبر صلی الله علیه و آله در عروسی فاطمه علیها السلام یک دست پیراهن نو به دخترش داده بود تا در شب عروسی بپوشد. هنگامی که فاطمه علیها السلام به خانه زفاف رفت و بر سجاده عبادت در حال مناجات با پروردگار بود، زن مستمندی به در خانه آمد و اظهار نیاز کرد و لباسی طلبید. فاطمه علیها السلام که در آن وقت دو پیراهن داشت: یکی کهنه و دیگری نو، به مصداق آیه «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»^۳ پیراهن نو را به فقیر بخشید».^۴

۱. نگر: بقره، آیه ۲۶۱.

۲. نهج الحیاه، ص ۲۷۱.

۳. آل عمران، آیه ۹۲.

۴. مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۷۴؛ ریاحین الشریعه، ج ۱، ص ۱۰۵.

۱۹. مهر و مقام مادر

در درازنای تاریخ بشر، نام مادر در میان نامهای سایر موجودات یکی از واژه های مقدس بوده که عالی ترین مفاهیم انسانی را در خود جای داده است؛ عفت و پاکدامنی، محبت و مهرورزی، ایثار و فداکاری، شفقت و... بدین جهت از نخستین روز خلقت بشر، تا کنون در میان هر قوم و نژاد و ملتی، با هر آداب و آیینی، وقتی نام مادر برده می شود، کوچک و بزرگ، سرشار از شور و حرارت و مهر و الفت می شوند و قلبشان پر تپش تر می زند. از این رو اسلام برای مادر، مقام و ارزش فوق العاده ای قائل شده است. فاطمه زهرا علیها السلام درباره مادر می فرماید: «الزَّمَّ رَجُلَهَا، فَإِنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ أقدامِهَا، وَ الزَّمَّ رَجُلَهَا فَتَمَّ الْجَنَّةَ؛ همیشه در خدمت مادر و پای بند او باش، چون بهشت زیر پای مادران است؛ و نتیجه آن نعمت های بهشتی خواهد بود».^۱ فاطمه علیها السلام مادری شایسته بود و مادری مهربان داشت که خود را فدای اسلام کرد. خدیجه علیها السلام، گرچه عروسی دختر خود را ندید، اما توانست لذت مادر فاطمه علیها السلام بودن را در دوران نوزادی و کودکی دخترش از او ببرد، لذا بعد از تولد فاطمه علیها السلام پرستاری از او را شخصاً به عهده گرفت که این برخلاف سنت معمول آن زمان بود که مردم مکه فرزندان تازه به دنیا آمده خود را به دایه هایی از روستاها و بادیه نشینان اطراف می سپردند.

^۱ کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۶۲، ح ۴۵۴۳۳.

۲۰. بهره‌ی حقیقی از روزه

بهره‌گیری از اعمال عبادی و تأثیرگذاری آن بر زندگی مادی و معنوی ما، زمانی تحقق می‌یابد که فقط به انجام تکلیف فکر نکنیم و گذشته از انجام وظیفه ظاهری به قبول شدن آن تکلیف نیز فکر کنیم. هنگامی که نماز را با وضو و آداب خواندیم، رفع تکلیف کرده ایم ولی معلوم نیست که این عمل مورد قبول درگاه الهی واقع شده باشد و عملی که مورد قبول واقع نشود، گرچه از باب رفع تکلیف به جا آورده شود، تأثیری در روح و جان انسان نخواهد گذاشت.

روزه از جمله این اعمال عبادی است که گذشته از آداب ظاهری خاص خود که شامل نخوردن و نیاشامیدن است، شرایط دیگری برای پذیرش و قبولی در درگاه خداوند دارد. فاطمه علیها السلام شرط بهره‌گیری مسلمانان از روزه را پایبندی به شرایطی همچون حفظ زبان، گوش، چشم و دیگر اعضاء و جوارح می‌داند و اکتفا به گرسنگی و تشنگی در روز را موجب بهره‌بردن روزه‌دار از آن نمی‌داند و می‌فرماید: «مَا يَصْنَعُ الصَّائِمُ بِصِيَامِهِ إِذَا لَمْ يَصُنْ لِسَانَهُ وَ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ وَ جَوَارِحَهُ؛ روزه‌داری که زبان و گوش و چشم و دیگر اعضاء و جوارح خود را کنترل ننماید هیچ سودی از روزه خود نمی‌برد»^۱.

۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۹۴، ح ۲۵.

۲۱. رعایت بهداشت

از ویژگی‌های اسلام و مسلمانی، رعایت نظافت ظاهری و باطنیست که از جلوه‌های زیبای اسلام است. اسلام به عنوان دین کامل نظافت را از شاخصه‌های ایمان قرار داده و می‌فرماید: «النَّظَافَةُ مِنَ الْإِيْمَانِ»^۱. به همین جهت سفارشات بهداشتی بسیاری در اسلام به مسلمان شده است. این توصیه‌های بهداشتی اسلام، هم در حوزه فردی و هم در حوزه اجتماعی است.

ثمره رعایت بهداشت، سلامتی و بیمار نشدن است. اسلام همچنانکه رعایت بهداشت را بر هر مسلمانی لازم دانسته است، انجام دادن کارهایی که باعث بیماری و ضرر رساندن به خود هست را حرام دانسته است. فاطمه عليها السلام با تذکر به مسلمانان به رعایت نظافت، آن را موجب بیمار نشدن می‌داند و اشاره می‌کند که اگر کسی رعایت بهداشت نکرد و بیمار شد، خود را ملامت کند، چون رعایت بهداشت نکرده است. ایشان با اشاره به شستن دست‌های آلوده پیش از غذا می‌فرماید: «لَا يَلُومَنَّ امْرَأٌ إِلَّا نَفْسَهُ، بَيْتٌ وَ فِي يَدِهِ رِيحٌ غَمْرٌ؛ کسی که بعد از خوردن غذا، دست‌های خود را نشوید و دست‌هایش آلوده باشد، چنانچه ناراحتی برایش به وجود آید کسی جز خودش را سرزنش نکند»^۲.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۱۹.

۲. کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۴۲، ح ۴۰۷۵۹.

۲۲. شفاعت

شفاعت در قیامت، با شرائطی، از ضروریات تمامی مذاهب اسلامی و مورد اجماع تمامی علمای مسلمان است. خداوند در قرآن می فرماید: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا؛ و پاسی از شب را زنده بدار، تا برای تو [به منزله] نافله ای باشد، امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند».^۱ تمامی مفسران شیعه و سنی بر این مطلب اتفاق دارند که مراد از «مقام محمود» همان مقام شفاعت است که خداوند آن را به پیامبرش وعده داده است. پیامبر ﷺ فرمودند: «خداوند بزرگ به من پنج امتیاز داده است... که یکی از آنها شفاعت است و آن را برای امت خود نگه داشته ام. شفاعت برای کسانی است که شرک نورزند».^۲ فاطمه عليها السلام دختر رسول خدا ﷺ به تصریح به داشتن مقام شفاعت خود، به خطاکاران امت پیامبر وعده داده اند که آنان را در روز قیامت شفاعت کنند: «إِذَا حُشِرْتُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، أَشْفَعُ عُصَاةَ أُمَّةِ النَّبِيِّ ﷺ؛ هنگامی که در روز قیامت برانگیخته و محشور شوم، خطاکاران امت پیامبر ﷺ را شفاعت می نمایم».^۳

۱. الإسراء، آیه ۷۹.

۲. مسند احمد، ج ۱، ص ۳۰۱، باب مسند عبدالله بن عباس؛ سنن نسائی، ج ۱، ص ۲۱۱، باب الطواف علی النساء فی غسل واحد؛ سنن دارمی، ج ۱، ص ۳۲۳، باب: الارض کلها طهور

۳. احقاق الحق، ج ۱۹، ص ۱۲۹.

۲۳. خط انحراف

سخنان فاطمه علیها السلام پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله حرکت روشنگرایانه ای بر علیه بازگشت اسلام و مسلمین بر جاهلیت بود که آن حضرت در زمان های مختلف آن را بر سر همه مهاجرین و انصار فریاد زده اند. ایشان در بیانات خود، ثمره عدم پیروی از حق و عدم سپردن امامت و خلافت به صاحبان اصلی آن را به وجود آمدن خط انحرافی در میان مسلمانان میدانند که باعث می شود اتحاد میان مسلمانان درباره دین خدا از بین برود و در پی آن جنایتها و فجایع بسیاری رخ دهد که همه مسلمانان پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و غضب خلافت تا به امروز شاهد آن بوده و هستند. فاطمه علیها السلام در این باره می فرمایند: «أَمَّا وَاللَّهِ، لَوْ تَرَكَوْا الْحَقَّ عَلَىٰ أَهْلِهِ وَاتَّبَعُوا عِتْرَةَ نَبِيِّهِ، لَمَا اخْتَلَفَ فِي اللَّهِ اثْنَانِ، وَ لَوْ رَثَهَا سَلْفٌ عَنْ سَلْفٍ، وَ خَلَفَ بَعْدَ خَلْفٍ، حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا، التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ؛ به خدا سوگند، اگر حق یعنی خلافت و امامت را به اهلش سپرده بودند؛ و از عترت و اهل بیت پیامبر پیروی و متابعت کرده بودند حتی دو نفر هم با یکدیگر درباره خدا و دین اختلاف نمی کردند و مقام خلافت و امامت توسط افراد شایسته یکی پس از دیگری منتقل می گردید و در نهایت تحویل قائم آل محمد میگردد که او نهمین فرزند از حسین می باشد»^۱.

۱. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۲.

۲۴. قضا و قدر الهی

یکی از مباحث پیچیده کلامی، بحث «قضا و قدر» است که باعث اختلاف عقیده است. با نگاهی به کلام و سیره فاطمه علیها السلام دو رویکرد از ایشان را به این بحث می‌یابیم: اول آنکه فاطمه علیها السلام قائل به قضا و قدر الهی هستند و بر عقیده‌اند که مقدرات، تقدیر شده است که از مصادیق آن مرگ انسان است. چنانکه با اشاره به رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و اینکه مرگ ایشان، بلیه‌ای بسیار بزرگ است که حادثه‌ای به ناگواری آن در هستی رخ نداده، مرگ را مقدر شده الهی برای همه انسانها، از جمله انبیاء دانسته و می‌فرماید: «حُكْمٌ فَضْلٌ وَ قَضَاءٌ حَتْمٌ؛ حکم، نهایی و قضا، حتمی است»^۱؛ لذا حضرت در نیایشهای خود برای پس از تقدیرات الهی، طلب صبر و خشنودی کرده و به درگاه الهی عرضه می‌دارد: «أَسْأَلُكَ الرَّضَا بِالْقَضَاءِ؛ از تو، خشنودی به قضا را مسئلت می‌کنم»^۲ و به علی علیه السلام درباره شهادت خود می‌فرماید که بر مصیبت او صبر نماید و به قضا و مقدرات الهی خشنود باشد.^۳ رویکرد دوم این است که فاطمه علیها السلام قائل به تغییر برخی از تقدیرات و قضای الهی بواسطه دعا بوده‌اند که شاهد آن، تمام ادعیه‌ای است که از حضرت به ما رسیده است.

۱. بحار الانوار، ج ۲۹ ص ۲۲۶.

۲. کافی، ج ۲، ص ۵۴۷.

۳. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۰۰، ح ۳۰.

۲۵. کارکردهای ایمان

ایمان، بهترین هدیه خداوند به انسان است. علی علیه السلام بهترین چیز را توسل به ایمان به خدا می‌داند.^۱ حقیقت ایمان شناخت به دل، و اقرار به زبان و فرمان بردن با اندامها است.^۲ توجه به کارکردهای ایمان به خدا و آثار دنیوی و اخروی آن، دلیل اهمیت ایمان را نشان می‌دهد. فاطمه علیها السلام مهمترین اثر ایمان را طهارت از شرک دانسته و می‌فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيرًا لَكُمْ مِنَ الشَّرْكِ...»؛ خداوند، ایمان را برای طهارت از شرک قرار داد...»^۳

دوری از همه انواع شرک از مهمترین آثار ایمان به خداوند است که موجب می‌شود تا انسان‌ها از معصیتها دوری کنند و اخلاقی نیکو داشته باشند. ایمان به خداوند در تمام شؤون فردی - اجتماعی انسان تأثیرگذار است و نوعی خویشن‌داری در انسان ایجاد می‌کند و تمام رفتارهای او را تحت کنترل درآورده و باعث می‌شود که او پای خود را از حریم‌هایی که قرارداد الهی و یا بشری است، فراتر نگذارد و او را به یک زندگی آرمانی و ایده‌آل الهی - بشری برساند.

۱. نگر: نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰.

۲. نگرهمان، ۲۲۷.

۳. احتجاج، ج ۱، ص ۹۷.

۲۶. خضوع در نماز

نماز بهترین وسیله برای یاد خداوند است و یاد خدا نیز بهترین وسیله برای خویشتن داری و کنترل غرایز سرکش و جلوگیری از روح طغیان است. «نماز گزار» همواره به یاد خدا می‌باشد، خدایی که از تمام کارهای کوچک و بزرگ ما آگاه است، خدایی که از آنچه در زوایای روان ما وجود دارد و یا از اندیشه ما می‌گذارد، مطلع و باخبر است و کمترین اثر یاد خدا این است که به خود کامگی انسان و هوسهای وی اعتدال می‌بخشد، و نوعی از خضوع و فروتنی را در برابر قادر الهی در انسان ایجاد می‌کند. چنانکه فاطمه درباره اثر نماز می‌فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ... الصَّلَاةَ تَنْزِيهَا لَكُمْ مِنَ الْكِبْرِ؛ خداوند... نماز را برای خضوع و فروتنی و پاکی از هر نوع تکبر، مقرر نمود»^۱.

همانگونه که یاد خدا در نماز موجب خضوع و خشوع است، غفلت از یاد خدا و بی‌خبری از پاداشها و کیفرهای او، موجب تیرگی عقل و خرد و کم‌فروغی آن می‌شود. انسان غافل از خدا در عاقبت اعمال و کردار خود نمی‌اندیشد و برای ارضای تمایلات و غرایز سرکش خود حد و مرزی را نمی‌شناسد و این نماز است که او را در شبانه روز پنج بار به یاد خدا می‌اندازد و تیرگی غفلت را از روح و روانش پاک می‌سازد.

^۱. احتجاج، ج ۱، ص ۹۷.

۲۷. زکات

عمل به دستورات الهی، علاوه بر اهمیت توجه و اطاعت بنده نسبت به دستورات خداوند، ثمرات و دستاوردهای مختلفی برای او در دنیا و آخرت دارد. زکات یکی از فروع دین اسلام می باشد که گذشته از احکام و مسایل فراوانی که دارد و بر یکایک مسلمانان واجب است، آثار اخروی و دنیوی متعددی دارد که آثار مثبت انجام آن به زودی در زندگی آشکار می گردد و عواقب و نتایج ناشی از عدم اهتمام به این فریضه اسلامی، از جامعه دینی ما دور خواهد شد. مسئله زکات از نظر قرآن و اسلام در آن حد از اهمیت است که در قرآن کریم عموماً هر جا دستور به نماز آمده بدنبال آن دستور پرداخت زکات هم ذکر شده. عمده ترین اثر پرداخت زکات پس از تزکیه نفس و مقابله با دنیاطلبی، آن که در روایات بیشتر ذکر شده است، توسعه رزق و روزی زکات دهنده و یاری دادن مستمندان است. از این رو فاطمه علیها السلام در کلامی درباره آثار زکات می فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ... الزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ؛ خداوند... زکات را برای تزکیه نفس و توسعه روزی تعیین نمود».^۱ علی علیه السلام می فرماید: «برکت در مال کسی است که زکات بپردازد، به مؤمنان مدد و یاری رساند و به خویشاوندان کمک نماید».^۲

۱. احتجاج، ج ۱، ص ۹۷.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۰۲.

۲۸. اخلاص در روزه

یکی از ویژگی های اسلام این است که نیت را اساس ارزش اخلاقی و رفتاری و منشأ خوبی ها و بدی ها معرفی کرده است. از نظر اسلام در ارزش گذاری کارها فقط یعنی خوب بودن کار کافی نیست، بلکه باید اخلاص هم داشته باشد، زیرا اثر کارهای نیک فقط در صورت اخلاص موجب تحصیل کمال و سعادت است. خداوند روزه را همانند دیگر اعمال عبادی در صورت همراهی با اخلاص مورد پذیرش قرار می دهد و از طرفی خود روزه موجب تثبیت اخلاص است؛ زیرا خداوند روزه را برای آزمایش و نیز افزایش اخلاص مردم قرار داده است.

پس می توان گفت از فلسفه های روزه، افزونی اخلاص در انسان و نیز تثبیت آن است و خداوند آن را برای آزمایش اخلاص مومنان مقرر فرموده است. کسی که به پیشگاه حضرت حق اخلاص ورزد، تمامی اوصافی که در فلسفه روزه بیان شده است شامل حالش می شود، و روزه، کاملاً با اخلاص روزه دار، در رابطه است. فاطمه علیها السلام در این باره می فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ... الصَّيَامَ تَثْبِيْتًا لِلْأَخْلَاصِ...؛ خداوند... روزه را برای تثبیت اخلاص در اراده، لازم دانست».^۱

^۱. احتجاج، ج ۱، ص ۹۷.

کعبه به عنوان مرکز توحید، قبله جهانیان، و حج به عنوان بی نظیرترین تجلی عبادت و بندگی و با شکوهترین تجمع الهی است که استحکام دین بواسطه برپا بودن آن است؛ چنانکه فاطمه ع.ا.س. میفرماید: «فَجَعَلَ اللَّهُ .. الْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ ؛ خداوند... حج را پشتوانه استواری (قوم) و برای تحکیم دین قرار داد».^۱ حج از اعظم عبادات اسلامی است که باطن آن را توجه خالص و ارتباط دائم قلبی تشکیل میدهد.

تقویت دین ابعاد گوناگونی دارد که در اینجا به چگونگی نقش حج در تقویت دین اشاره می شود:

- ۱ - حج، یاد خدا است و ارتباط قلبی انسان با خدا
- ۲ - حج، پیوند روحی بین دینداران و بنیانگذاران دین ایجاد می کند و مسلمانان با انجام مراسم حج با آثار حضرت ابراهیم خلیل و حضرت محمد ص.ا.ع. و دیگر انبیا و اولیای الهی آشنا می شوند. ۳ - حج، عامل تقویت ارتباط دینداران و در نتیجه اقتدار بیشتر در برابر دنیای کفر و شرک است. ۴ - حج، امکان همفکری و مشاوره مسلمین برای حل مشکلات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دنیای اسلام را فراهم می سازد. ۵ - حج، نمایش عظمت و قدرت اسلام؛ ۶ - حج، عامل تفقه بیشتر در دین؛ ۷ - حج، پاسداری از هویت تاریخی؛ ۸ - و حج، تمرین عملی بندگی و اطاعت از خداست.

^۱ . احتجاج، ج ۱، ص ۹۷.

۳۰. عدالت

عدالت، شاخصه مهم نظام اسلامی و تابلوی قسط و عدل در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... است. دین که سامان بخش جامعه در ابعاد گوناگون است بیشترین تلاش را در جهت استقرار عدالت دارد. دین تلاش می‌کند در ابعاد گوناگون اقتصادی اجتماعی و قضایی و... عدالت را مستقر سازد و برقراری عدالت را یکی از اهداف بزرگ پیامبران عنوان می‌نماید.

در نگاه علی علیه السلام عدل از بخشش بالاتر است. این نگاه علی علیه السلام در سؤال نکته‌سنجی از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسیده شد که: عدالت یا بخشش، کدام بهتر و شریف‌تر است؟ حضرت فرمود: «عدالت، هر چیزی را در جای خود می‌نهد، در حالی که بخشش آن را از جای خود خارج می‌سازد. عدالت تدبیر عمومی مردم است. در حالی که بخشش گروه خاصی را شامل است. پس عدالت شریف‌تر و برتر است.»^۱

از نظر علی علیه السلام، آن اصلی که می‌تواند تعادل اجتماعی را حفظ کند و در زاویه نگاه فاطمه علیه السلام مایه وحدت و هماهنگی دلهاست عدالت است؛ در آنجا که می‌فرماید: «فَجَعَلَ اللَّهُ ... الْعَدْلَ تَسْبِيحًا لِلْقُلُوبِ؛ خداوند... عدالت را مایه وحدت و هماهنگی دل‌ها قرار داد.»^۲

۱. نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷.

۲. احتجاج، ج ۱، ص ۹۷.

۳۱. امامت

در نگاه حکمت آمیز فاطمه علیها السلام ثبات اجتماعی و برقراری نظم و نیز جلوگیری از تفرقه و شکل گیری وحدت، بواسطه وجود امام قوام و شکل می گیرد که ایشان با اشاره به این کارکردهای مهم امامت در میان امت اسلامی میفرماید: «فَجَعَلَ اللَّهُ... طَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ وَ إِمَامَتَنَا أَمَانًا لِلْفِرْقَةِ؛ خداوند... اطاعت و پیروی از ما اهل بیت را سبب برقراری نظم [اجتماعی] در امت [اسلامی] و امامت ما را عامل [وحدت و] درامان ماندن از تفرقه ها قرار داده است».^۱

از جمله حکمت های خطاب خداوند به پیامبر در حجه الوداع برای بیان فرمان امامت و وصایت علی این ضرورت حقیقی اجتماع مسلمانان است. ختم نبوت بدون نصب امام معصوم، خلاف حکمت الهی است و کامل بودن دین جهانی و جاودانی اسلام، منوط به این است که بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جانشینان شایسته ای برای او تعیین گردند بگونه ای که بجز مقام نبوت و رسالت، دارای همه مناصب الهی وی باشند. لذا آیه اکمال دین در آخرین حج، باعث نا امیدگی کفار از آسیب پذیری اسلام شد، زیرا دشمنان اسلام انتظار داشتند که بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله - مخصوصاً با توجه به اینکه فرزند ذکوری نداشتند - اسلام بدون سرپرست بماند و در معرض ضعف و زوال قرار گیرد.

^۱. احتجاج، ج ۱، ص ۹۷.

۳۲. یاد درگذشتگان

مرگ، حقیقتی انکارناپذیر است که جبرئیل، این واقعیت تلخ و شیرین را به تمام جانداران بشارت داده است: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»^۱. آری پیام مرگ برای بندگان صالح خداوند، سروش حیات بخش و دل انگیز است که بندگان پارسا را خوش تر آید تا با پرکشیدن در جوار رحمت الهی، در آغوش پرمحبت او جای گیرند. ولی چه سخت و غم آلود است زنگ خطر مرگ برای بددینان که اسیر هوای نفس خویش بودند؛ چرا که مرگ و سرازیری قبر برای آنان چیزی جز نیستی دنیا و سرآغازی برای درد ورنجی بی پایان نیست؛ چنان که در حدیثی از رسول خدا ﷺ درباره قبر آمده است: «الْقَبْرُ إِمَّا رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّارِ»^۲. در اینجا است که دست بنده از همه جا کوتاه است و آنچه می تواند کمی به فریاد او برسد و مایه آرامش او را فراهم کند رفتن بر سر قبر او و تلاوت قرآن و دعا برای اوست.

فاطمه علیها السلام بانوی آسمانها و زمین، که در سیره او یاد مرگ، تنهایی قبر و برانگیخته شدن در محشر را میبینیم، در این باره به همسر خود وصیت کرده و می فرماید:

«إِذَا أَنَا مِتُّ فَتَوَلَّيْ أُنْتَ غُسْلِي وَ جَهَنِّي وَ صَلِّ عَلَيَّ وَ

^۱. آل عمران، آیه ۱۸۵.

^۲. بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۷۵.

أَنْزِلُنِي قَبْرِي وَالْحِدْنِي وَسَوَّ التُّرَابَ عَلَيَّ وَاجْلِسْ عِنْدَ رَأْسِي قُبَالَةَ وَجْهِي فَأَكْثِرُ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَالِدُعَاءِ فَإِنَّهَا سَاعَةٌ يَحْتَاجُ الْمَيِّتُ فِيهَا إِلَى أَنْسِ الْأَحْيَاءِ؛ هنگامی که من از دنیا رفتم، تو خود غسل ده و تجهیزات مرا به انجام رسان و نماز بر من بخوان و در قبرم فرود آی و مرا در لحد بگذار و قبرم را با خاک پر کن و در نزد سرم و روبرویم بنشین و برایم قرآن را بسیار تلاوت نما، و برایم دعا کن، چون که میّت در چنان موقعیتی بیش از هر چیز نیازمند به اُنس با زندگان می باشد»^۱.

زیارت قبور در گذشتگان از امت اسلام، بخصوص ائمه عليهم السلام و صالحان، سفارشی ویژه در کلام رسول خدا صلى الله عليه وآله و اهل بیت عليهم السلام است و روایات متعددی در این باره به ما رسیده است که از جمله آنها زیارت پیامبر صلى الله عليه وآله، امام حسین عليه السلام است که آداب خاصی نیز برای آن سفارش شده است. در روایتی نقل شده است که فاطمه عليها السلام نیز به علی عليه السلام وصیت می کند که بر سر تربت او بیاید: «أَوْصِيكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَنْ لَا تَنْسَانِي، وَ تَزُورَنِي بَعْدَ مَمَاتِي؛ مرا پس از مرگم فراموش نکن و به زیارت و دیدار من - بر سر قبرم - بیا»^۲.

رفتن بر سر مزار در گذشتگان سنتی بود که فاطمه عليها السلام خود پایبند آن بود. در روایتی از سیره فاطمه عليها السلام روایت شده است که ایشان هر هفته دو بار روزهای دوشنبه و پنجشنبه به زیارت مزار شهدا میرفتند:

۱. بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۷.

۲. زهرة الرياض - كوكب الدرّی، ج ۱، ص ۲۵۳.

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ عَاشَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ خَمْسَةَ وَ سَبْعِينَ يَوْمًا لَمْ تُرَكَاشِرَةً وَلَا ضَاحِكَةً تَأْتِي قُبُورَ الشُّهَدَاءِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ مَرَّتَيْنِ - الْإِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسَ فَتَقُولُ هَاهُنَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ هَاهُنَا كَانَ الْمَشْرُكُونَ، وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى أَبَانُ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهَا كَانَتْ تُصَلِّي هُنَاكَ وَ تَدْعُو حَتَّى مَاتَتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ إمام صادق عليه السلام می فرماید: فاطمه علیها السلام تنها هفتاد و پنج روز پس از پیامبر ﷺ در جهان زیست و در این مدت هیچ گاه متبسم و خندان دیده نشد. هر هفته دوبار در روزهای دوشنبه و پنجشنبه به زیارت مزار شهدا می رفت و خاطرات کارزار پدر را به یاد می آورد و می فرمود: پیامبر خدا ﷺ در این سوی میدان و مشرکان در آن سوی میدان ایستاده بودند»^۱.

امام صادق علیه السلام در روایتی دیگر نقل می کند که «او [فاطمه علیها السلام] در مزار شهدا به نماز می ایستاد و مناجات می کرد و این برنامه را تا زمان مرگ هرگز کنار نگذاشت».

و نیز در روایت آمده است که فاطمه علیها السلام بر سر مزار شهدا، بویژه حمزه سیدالشهداء علیه السلام می رفت و برای او دعا و استغفار می کرد.

^۱. کافی، ج ۴، ص ۵۶۱.

۳۳. یاد قیامت

یاد قیامت و احوال محشر از سخت ترین و اندوه آورترین صحنه هاست که لبخند را از لبان هر انسانی می رباید. روزی پیامبر دیدند که فاطمه علیها السلام محزون است. سؤال کردند که دخترم چرا محزونی؟ فاطمه علیها السلام پاسخ دادند: «يَا أَبَتِ ذَكَرْتُ الْمَحْشَرَ وَوُفُوَ النَّاسِ عُرَاةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ ای پدر، روز محشر و برهنگی مردم به خاطرم آمد». ^۱ یاد قیامت، آثار سازنده ای در رفتار و گفتار انسان دارد. اگر کسی همیشه به یاد قیامت باشد، هیچگاه مال مردم را نمی خورد و رعایت حق الناس و حق الله را همیشه مورد نظر دارد؛ چرا که میداند باید در سرای واپسین پاسخگو باشد. ابن بطوطه در سفرهای خود که به شیراز آمده می گوید: «در جنب مسجد جامع بازاری بود که مثل آن ندیده بودم. در این بازار چشمم به یک نفر نورانی متقی افتاد که در مغازه اش نشسته قرآن می خواند. رفتم سلام کردم نشستم از من پذیرایی کرد. گفتم: شما اینجا چه کار می کنید؟ گفت: من شغلم تجارت است هر وقت مشتری نباشد قرآن می خوانم سپس فرش را عقب زد دیدم قبر است گفت: این گور خودم است کنارش می نشینم و برای خود قرآن می خوانم وصیت کردم که مرا اینجا دفن کنند. گورم را اینجا کنده ام که گول دنیا را نخورم.

^۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۲۵.

۳۴. سعادت

سعادت، در نگاه فاطمه علیها السلام، یعنی پایبندی به شریعت مقدس و پایبندی به شریعت، یعنی ایمان به ربوبیت و وحدانیت خداوند و دوری از شرک. ایمان راستین نیز ثمره ای جز سعادت و رستگاری در دنیا و آخرت ندارد. از این رو صدیقه طاهره علیها السلام از مسلمان می خواهد که آنگونه که شایسته است خداوند را اطاعت کنند. این سخن بدان معناست که با تمام وجود و توان، اطاعت فرامین الهی را کنید، و هرچقدر مراقب اعمال خود باشید، باز در خور شأن او بندگی نکرده اید، زیرا شأن خداوند را حدی نیست. فاطمه علیها السلام میفرماید: «وَحَرَّمَ اللَّهُ [الشِّرْكَ] إِخْلَاصاً لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ، فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ، وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ، وَ أَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ، وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ، فَإِنَّهُ، إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ؛ خداوند سبحان شرک را (در امور مختلف) حرام گرداند تا آن که همگان تن به ربوبیت او در دهند و به سعادت نائل آیند؛ پس آن طوری که شایسته است باید تقوای الهی داشته باشید و کاری کنید تا با اعتقاد به دین اسلام از دنیا بروید. بنابر این باید اطاعت و پیروی کنید از خداوند متعال در آنچه شما را به آن دستور داده یا از آن نهی کرده است؛ زیرا که تنها علماء و دانشمندان (اهل معرفت) از خدای سبحان خوف و وحشت خواهند داشت»^۱.

۱. دلایل امامه، ص ۱۱۳.

۳۵. پیروی از قرآن

اندیشه اهلیت علیها السلام، اندیشه ای قرآنی و برآمده از آیات الهی است و پیروی از دو ثقل باعث سعادت و گمراه نشدن از مسیر اسلام حقیقی است. چیزی که امروزه ما در جوامع اسلامی با آن دست به گریبانیم؛ زیرا اهداف بلند اسلامی پیامبر علیها السلام در میان تفاسیر یکطرفه و بدون در کنار هم قرار دادن این دو ثقل به دست فراموشی سپرده شده و وحدت مسلمانان در پیروی از قرآنی که مفسر آن اهلیت علیها السلام باشند کمرنگ شده است. فاطمه علیها السلام که دارای اندیشه قرآنی است، قرآن را کتابی روشنایی بخش میداند که یادگار عزیز پدر گرانقدرش میباشد. از این رو به مسلمانان سفارش می کند که رضای الهی را با اطاعت از قرآن به دست آورند. فاطمه علیها السلام می فرماید: «كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَالْقُرْآنُ الصَّادِقُ وَالنُّورُ السَّاطِعُ وَالضِّيَاءُ اللَّامِعُ، بَيِّنَةٌ بَصَائِرُهُ، مُنْكَشِفَةٌ سَرَائِرُهُ، مُنْجِلِيَّةٌ ظَوَاهِرُهُ، مُغْتَبِطَةٌ بِهٖ أَشْيَاعُهُ، قَائِدَةٌ إِلَى الرِّضْوَانِ اِتِّبَاعُهُ، مُؤَدِّةٌ إِلَى النَّجَاةِ اِسْتِمَاعُهُ؛ کتاب گویای خداوند و قرآن راستگو و نور فروغ بخش و روشنایی درخشان - عهد الهی و یادگار پیامبر است - که دیدگاههایش روشن و اسرار درونی او بر ملا و ظاهر آن جلوه گر و پیروان او مورد غبطه همگان است. تبعیت از آن راهگشای دستیابی به رضای الهی و گوش سپردن به او موجب نجات است»^۱.

۱. الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۳۴.

۳۶. دعای غروب جمعه

در نگاه فاطمه علیها السلام دعا، درهای رحمت الهی را می‌گشاید. دعا اگر با انقطاع از خلق صورت گیرد و مصلحت الهی بر آن قرار گیرد، اجابت خواهد شد. اما در روایات، اوقات و مکانهایی ذکر شده است که به دلیل شرافت و... دعا در آنها، تأکید به اجابت شده است. یکی از زمانهایی که فاطمه علیها السلام مقید به آن بودند، دعا در غروب روز جمعه است که باعث استجاب دعا می‌شود. فاطمه علیها السلام می‌فرماید: «سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: إِنَّ فِي الْجُمُعَةِ لَسَاعَةً لَنَا يُوَاقِفُهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ يُسْأَلُ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - فِيهَا خَيْرًا إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ. قَالَتْ: فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، آيَةُ سَاعَةِ هِيَ؟ قَالَ: إِذَا تَدَلَّى نِصْفُ عَيْنِ الشَّمْسِ لِلْغُرُوبِ. قَالَ: فَكَأَنْتِ فَاطِمَةُ تَقُولُ لِعُلامِهَا اصْعَدِي عَلَى الظَّرَابِ فَإِذَا رَأَيْتِ نِصْفَ عَيْنِ الشَّمْسِ قَدْ تَدَلَّى لِلْغُرُوبِ فَأَعْلِمْنِي حَتَّى أَدْعُو؛ از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم که می‌گفت: در جمعه ساعتی است که هر مرد مسلمانی آن را دریابد و در آن ساعت از خداوند - عزَّ و جل - خیری بخواهد، حتماً به او می‌دهد. گفتم: ای رسول خدا، آن کدام ساعت است؟ فرمود: هرگاه نصف خورشید، غروب کرده باشد. فاطمه به غلامش می‌فرمود: بر بلندی برو و هرگاه دیدی نصف قرص خورشید غروب کرده است، مرا آگاه کن تا دعا کنم»^۱.

^۱. بدایة الهدایة، ج ۱ ص ۱۳۷.

۳۷. علی محور پرگار امامت

از زیباترین جلوه های حیات فاطمه علیها السلام، زندگی مشترک با علی علیه السلام است؛ شخصیتی که همه در شناخت حقیقت او حیران مانده اند و کسی بیشتر و بهتر از رسول خدا صلی الله علیه و آله، پس از خداوند او را نمی شناخت. فاطمه علیها السلام به عنوان همسری که در کنار او زندگی هرچند کوتاهی را داشت، پس از پدرش، بهتر از دیگران علی علیه السلام را می شناسد و بر سر این شناخت بود که حیات خویش را از دست داد. تعریفی که او از همسرش و مولای خویش دارد کم نظیرتر است. علی علیه السلام در نگاه فاطمه علیها السلام پیشوا و محور پرگار امامت است که وجود نورانی او مورد توجه همه عارفان است. او علی علیه السلام را فرزندی پاک از صلیبی پاک می داند که برای هدایت امت آمده است. فاطمه علیها السلام با شناخت عمیق از علی علیه السلام می فرماید: «وَهُوَ الْأَمَامُ الرَّبَّانِيُّ، وَالْهَيْكَلُ النُّورَانِيُّ، قُطْبُ الْأَقْطَابِ، وَسَلَالَةُ الْأَطْيَابِ، النَّاطِقُ بِالصَّوَابِ، نُقْطَةُ دَائِرَةِ الْأَمَامَةِ؛ او پیشوائی الهی و ربّانی است، تجسّم نور و روشنائی است، مرکز توجه تمامی موجودات و عارفان است، فرزندی پاک از خانواده پاکان می باشد، گوینده ای حقگو و هدایتگر است، او مرکز و محور امامت و رهبریّت است»^۱.

^۱. ریاحین الشریعه: ج ۱، ص ۹۳.

۳۸. صله ارحام

یکی از سنت‌های شایسته، که در اسلام بسیار مورد توجه است و در ماه مبارک رمضان و ایام نوروز رونقی خاص دارد، صله ارحام و دید و بازدید اقوام و آشنایان است که از ثمرات آن انس و الفت در میان خانواده‌های فامیل و نیز آگاهی از مشکلات یکدیگر و تلاش برای رفع آن معضلات است. فاطمه علیها السلام در این باره میفرماید: «**جَعَلَ اللهُ ... صَلَّةَ الْأَرْحَامِ مَنَسَأَةً فِي الْعَمْرِ** و **مِنْمَاءً لِلْعَدَدِ**؛ خدای متعال... صله ارحام را موجب افزایش عمر و سبب فزونی جمعیت و قدرت قرار داد».^۱

روایات ائمه علیهم السلام آثار بسیار دیگری را برای صله ارحام ذکر کرده‌اند که برخی از این آثار عبارتند از: محبوبیت نزد خداوند، بهره‌مند شدن از پشتیبانی خداوند، افزایش روزی، طول عمر، ورود به بهشت، برطرف شدن فقر و بیچارگی، آباد شدن شهرها، آسان شدن حساب در قیامت و پاک شدن از گناه، نجات از مرگ‌های ناهنجار، محبوبیت در خانواده و... نکته‌ای که در این آثار وجود دارد این است که برخی از این آثار مثبت در زندگی فردی افراد بوجود می‌آید و برخی دیگر در جامعه و زندگی اجتماعی چهره خود را نشان می‌دهد و همچنین آثار منفی بسیاری برای ترک آن همانند قطع روزی و کوتاهی عمر بیان کرده‌اند.

^۱. الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۳۴.

۳۹. امر به معروف و نهی از منکر

برخورد با ناهنجاری جامعه برای اصلاح آن، ضرورتی است که هر جامعه آرمانخواهی آن را قبول دارد و مختص به اسلام و مسلمین نیست. آنچه در این میان مورد اختلاف هست، تعریف ناهنجاریست که باعث می شود، مصادیق آن برای اصلاح تفاوت داشته باشد. تلاش برای اصلاح ناهنجاری های جامعه در کشورهای اسلامی و مسلمانان با عنوان «امر به معروف و نهی از منکر» شناخته می شود که بسیار مورد تأکید ائمه علیهم السلام و علمای شیعه و سنی قرار دارد. دلیل این تأکیدات ثمرات برپا بودن این سنت حسنه در جامعه است و نیز آسیب ها و آفت های از بین رفتن آن، که موجب ترویج بی اخلاقی، بی دینی و... می شود که در اشکال مختلف قابل توسعه است. اما در یک جامعه زنده و پویا و نیز مترقی، با وجود قوانین مترقی اسلامی، جامعه با هر گونه بی اخلاقی برخوردی اصلاحگرایانه کرده و در موارد متفاوت نیز برای ترویج فرهنگ، امر به معروف می کند. از این رو می بینیم که وجود این فریضه بزرگ که از واجبات است؛ چقدر مفید حال جامعه است، لذا فاطمه علیها السلام در کلامی درباره ثمره جاری بودن روح اصلاحگری در جامعه می فرماید: «جَعَلَ اللهُ ... الأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَامَّةِ؛ خداوند... امر به معروف را جهت اصلاح جامعه قرار داد»^۱.

۱. الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۳۴.

۴۰. سخاوت و بخل

سخاوت و بخل دو صفت از صفات متضاد در میان انسانها هستند که هر کدام نیز نتیجه ای متضاد از یکدیگر دارند. فاطمه زهرا علیها السلام در روایتی از رسول خدا این دو صفت را تعریف کرده اند. ایشان بخل را صفتی می دانند که حاصل آن دوزخ است؛ زیرا نتایج دنیوی بخل هولناک است که یکی از آنها عدم رسیدگی به فقرا است. فاطمه زهرا علیها السلام در این روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله، سخا و بخل را به دو درخت تشبیه می کنند که یکی در بهشت است و دیگری در جهنم و یکی انسان را به بهشت رهنمون می شود و دیگری به دوزخ. ایشان میفرماید: «قَالَ لِي أَبِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِيَّاكَ وَ الْبُخْلَ فَإِنَّهُ شَجْرَةٌ فِي النَّارِ، وَ أَغْصَانُهَا فِي الدُّنْيَا، فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُضْنِ مَنْ أَغْصَانُهَا أَدْخَلَهُ النَّارَ. وَالسَّخَاءَ شَجْرَةٌ فِي الْجَنَّةِ، أَغْصَانُهَا فِي الدُّنْيَا، فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُضْنِ مَنْ أَغْصَانُهَا أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ؛ رَسُولُ خَدَائِكَ ﷺ بِهِ مِنْ فَرَمُودٍ: مِنْ بَخْلِ وَرَزِيدِنِ بَرَهَيْزٍ؛ زَيْرَا كَهْ أَنْ دَرِخْتِي اسْتِ دَرِ آتَشِ دُوزِخِ كَهْ شَاخَهْ هَايشِ دَرِ دُنْيَا سْتِ، هَرِ كَهْ بَهْ شَاخَهْ اِيْ اَزِ شَاخَهْ هَايشِ دَرِ آوِيْزِدِ، دَاخِلِ جَهَنَّمِشِ گَرْدَانْدِ وَ سَخَاوْتِ دَرِخْتِي دَرِ بَهْشْتِ اسْتِ كَهْ شَاخَهْ هَايشِ بَهْ زَمِيْنِ آوِيخْتِهْ اسْتِ، هَرِ كَهْ شَاخَهْ اِيْ اَزِ آنِ رَا بَغِيْرِدِ، اَوْ رَا بَهْ سُوِيْ بَهْشْتِ مِيكَشَانْدِ»^۱.

^۱. دلایل الامامة، ص ۴. الموسوعه الكبرى عن فاطمة الزهراء، ج ۲۲، ص ۵۸۱.